

بنیاد خوزستان شناسی

# کتاب خوزستان

در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات

جلد اول

مکانیسم کنترل اجتماعی نابهتجاریها (اتین فصل) در جامعه عشیره‌ای عرب خوزستان / شرکت نفت و تأثیرات آن بر خوزستان در گفتگو با دکتر کاوه احسانی / گزارشی از دیدار و گفت و گو با خاتم پولین لاوانیه پژوهشگر فرانسوی / ابوالاحمد و ابو هلال عسکری / فرجام شیخ خزعل / «تلاش برای ماندن» تحلیلی بر ماندگاری صابین مندایی در خوزستان / سینما در آبادان به عمر پالایشگاه نفت / تاریخ نگاری کسروی / پژوهشی مقتوم در تاریخ معاصر خوزستان / رود سیاه / دکتر جان داک هالیدی / ترانه‌های گرمسیر / و بعد که تو آمدی / «جنوبی نامه» / «در ولایت» B.I.P.C / پاتدورا / ای طور هم نمی‌مونه / کل رجب ولات

کاوه احسانی / سیروس احمدی فر / فتح الله بی‌نیاز / محمد جعفری قنواتی / محمد جواهر کلام / غلام حیدری / ابراهیم دمشناس / مجید روانجو / فرامرز سدهی / محمد علی شیخ / اردشیر صالح‌پور / سید علی صالحی / محمد عابدی / مسعود فروزنده / عبدالنبی قیم / پولین لاوانیه / مصطفی عبدالقادر النجار

نشر شادگان

بنیاد خوزستان شناسی

# کتابِ خوزستان

(در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات)

جلد ۱



نشر شادگان

کتاب خوزستان (در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات) گردآورنده بنیاد  
خوزستان شناسی - تهران، نشر شادگان، ۱۳۹۵

ج ۱

ISBN 978-964-5917-33-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

چاپ اول این کتاب توسط سایه هور، سلمان، ۱۳۸۱ منتشر شده است.  
کتابنامه.

۱. خوزستان ۲. خوزستان - تاریخ ۳. خوزستان - زندگی فرهنگی. الف. بنیاد  
خوزستان شناسی.

۹۵۵/۵۳

ج ۹ ۵۳/ ۲۰۱۷/ DSR

کتابخانه ملی ایران ۴۶۰۷۴ - ۸۱ م



نشر شادگان

تهران، کارگر شمالی، مجتمع گلها، خیابان دوم - نیش میخک غربی، بلوک ۱،  
صندوق پستی ۴۴۱-۱۳۱۴۵ - تلفن ۸۸۰۲۸۷۸۸

۱۰۰۰ نسخه

چاپ دوم ۱۳۹۵

ISBN 978-964-5917-33-1

## فهرست

- پیشگفتار..... ۷
- مکانیزم کنترل اجتماعی نابهنجاریها (آئین فصل)
- ۹..... در جامعهٔ عشیره‌ای عرب خوزستان / علی نوذریپور
- شرکت نفت و تأثیرات آن بر خوزستان در گفت و گو با
- دکتر کاوه احسانی / محمد جعفری (قنواقی) ..... ۲۷
- گزارشی از دیدار و گفت و گو با
- خانم پولین لاوانیه پژوهش‌گر فرانسوی / محمد عابدی ..... ۴۱
- ۴۷..... أبو‌احمد و أبو‌هلال عسکری / دکتر محمد علی شیخ
- فرجام شیخ خزعل / مصطفی عبدالقادر النجار
- ترجمه و مقدمه محمد جواهرکلام ..... ۵۷
- "تلاش برای ماندن"
- ۶۵..... تحلیلی بر ماندگاری صابئین مندایی در خوزستان / مسعود فروزنده
- ۷۳..... سینادر آبادان به عمر پالایشگاه نفت / غلام حیدری
- ۸۷..... تاریخ‌نگاری کسروی / عبدالنبی قیم
- ۱۰۳..... پژوهشی مغتنم در تاریخ معاصر خوزستان / محمد جعفری قنواقی
- ۱۱۱..... رودسیاه / سید علی صالحی
- ۱۲۵..... دکتر جان‌داک هالیدی / فتح‌الله بی‌نیاز
- ۱۳۳..... ترانه‌های گرمسیر / اردشیر صالح‌پور
- ۱۴۷..... و بعد که تو آمدی / فرامرز سه‌دهی
- ۱۴۹..... «جنوبی‌نامه» / سیروس احمدی فر
- ۱۵۱..... «در ولایت» / سیروس احمدی فر
- B.I.P.C / فرزاد آبادی ..... ۱۵۲
- پاندورا / مجید روانجو ..... ۱۵۴
- ۱۵۵..... ای طور هم نمی‌مونه / محمد جعفری (قنواقی) - ابراهیم دمشناس
- کل‌رجب ولات / محمد جعفری (قنواقی) ..... ۱۵۷

## پیش‌گفتار

خوزستان سرزمین تکثر، تنوع و مهد تمدن‌های کهن است. این منطقه از دیر باز شاهد هم‌زیستی فرهنگ‌های مختلف درکنار هم بوده است. از چغازنبیل، شوش و آثار و بناهای مختلف شوشتر که بگذریم، در هر نقطه این سرزمین اثری از هزاره‌های پیش‌دیده می‌شود. برودخانه‌های کارون و جراحی بقایای سدهای متعدد و درکوه‌های بختیاری (مسجد سلیمان و ایذه)‌کننده کاری‌ها و نقوش برجسته، آثاری است که هر علاقه‌مند به کاوش‌های باستانی را به خود جلب می‌کند. هر یک از این آثار یادآور وجود اقوام مختلف است. این تنوع و تکثر قومی، زبانی و فرهنگی، به مشابه بارزترین مشخصه این سرزمین، نه فقط در گذشته‌های دور بلکه در سراسر تاریخ آن و تا امروز نیز ادامه داشته است. مدرنیزم به مفهوم واقعی آن در ایران با کشف نفت و ایجاد تأسیسات خاص اکتشاف و بهره‌برداری از آن از خوزستان منشاء گرفت. وجود بنادر مهم بحر مشهر و امام که راه آهن سراسری به آن‌ها ختم می‌شود، پالایشگاه آبادان، کارخانجات متعدد پتروشیمی، کارخانجات لوله‌سازی و طرح عظیم نیشکر همه از اهمیت اقتصادی این استان در سطح ملی حکایت دارد.

این منطقه به لحاظ سیاسی نیز همواره اهمیت خاصی داشته است و بر روندهای سیاسی کشور تأثیرات مهمی بر جای گذاشته است. نقش کارکنان مناطق نفتی در رویداد تاریخی ملی شدن نفت و نیز کارکرد آن‌ها در بستن لوله‌های نفت در جریان انقلاب و نیز پایمردی‌های مردم منطقه در دفاع از تمامیت ارضی کشور و پاسداری از مرزهای ملی، در دوره‌های مختلف، روشن‌تر از آن است که بخواهیم درباره آن مطلب بنویسیم.

در زمینه فرهنگی نیز خوزستان تأثیرات جدی بر روندهای فرهنگ ملی بر جای گذاشته است. نقش تاریخی دانشگاه جندی شاپور، وجود دانشمندان، ادیبان و شاعرانی هم چون هارون دشت میثانی، ابوهلال عسکری و ابونواس اهوازی که هر یک در عرصه‌های فعالیت خود تأثیرات ماندگاری بر شکل‌گیری تمدن و فرهنگ ایران و اسلام داشته‌اند، نمونه‌های کوچکی از نقش این منطقه در گذشته‌های دور است.

امروزه نیز نقش فعالین فرهنگی خوزستان (سینماگران، قصه‌نویسان، شاعران و مترجمان) و تأثیر آن‌ها بر روندهای فرهنگی در محدوده‌های ملی بسیار نظر‌گیر و بی‌بدیل است.

برغم آن چه گفته شد، متأسفانه تاکنون نشریه‌ای که بتواند آینه‌ای برای بازتاب کلیت این مسائل باشد وجود نداشته است. به همین دلیل و با هدف سامان‌دهی فعالیت‌های خوزستان‌شناسی در عرصه‌های مختلف (تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات) تصمیم به انتشار این کتاب گرفته شده است. ما امیدواریم با یاری همه فرهنگ‌دوستان و فرهیختگان خوزستانی دست کم هر سال دو جلد از آن را انتشار دهیم و برای ادامه این کار بیش از هر چیز به مساعدت اهل قلم دیار خود چشم دوخته‌ایم.

در زمانی که این کتاب زیر چاپ بود، جامعه فرهنگی خوزستان به سوگ دو تن از فرهیختگان خود نشست. احمد محمود داستان‌نویس برجسته و سید هادی بالیل موسوی پژوهش‌گر خوزستان در مهرماه جاری بدرود زندگی گفتند. کتاب خوزستان ضمن تسلیت فقدان این بزرگواران به خانواده‌های آن‌ها و جامعه فرهنگی خوزستان، امیدوار است که در جلد دوم مطالبی درباره زندگی و آثار این عزیزان به چاپ برساند.

کتاب خوزستان

## مکانیزم کنترل اجتماعی نابهنجارها (آئین فصل) در جامعهٔ عشیره‌ای عرب خوزستان<sup>۱</sup>

علی نودرپور

دورکیم جامعه‌شناس معروف فرانسوی در پاسخ به این سؤال که چگونه افراد یک جامعه می‌توانند شرط لازم برای هستی اجتماعی یعنی اجماع اجتماعی را تحقق بخشند، جوامع بشری را به دو دسته، تحت عنوان جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی یا ساختگی و جوامع دارای همبستگی ارگانیکی یا اندامی تقسیم می‌کند.

همبستگی مکانیکی، همبستگی از راه همانندی است. هنگامی که این شکل از همبستگی بر جامعه مسلط باشد افراد جامعه چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند. افراد به واسطه وابستگی به ارزش‌های واحد و داشتن مفهوم مشترکی از تقدس، احساسات واحدی داشته و به هم همانندند. جامعه از آن رو منسجم است که افراد آن هنوز تمایز اجتماعی پیدا نکرده‌اند.

صورت متمایز با همبستگی فوق‌الذکر، همبستگی ارگانیکی است که عبارت است از: جامعه‌ای که اجماع اجتماعی - وحدت انسجام‌یافته اجتماع - در آن نتیجهٔ تمایز اجتماعی افراد با هم است و یا از راه این تمایز بیان می‌شود. افراد این نوع جوامع همانند یکدیگر نیستند بلکه از هم متفاوتند.

---

۱. این مقاله در سال ۱۳۶۷ نوشته شد و اساس آن بر تحقیقی استوار است که در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ انجام گرفته است.

دورکیم در پاسخ به سؤال آغازین بحث از مفهوم دیگری تحت عنوان «وجدان جمعی» کمک می‌گیرد. وجدان جمعی عبارت از دستگاہی معین از باورها و احساسات مشترک در بین حد وسط اعضاء یک جامعه که دارای حیات خاص خویش است. وجدان جمعی از شرایط خاصی که افراد در آن قرار دارند، مستقل است؛ زیرا افراد می‌آیند و می‌روند ولی وجدان جمعی باقی می‌ماند. وجدان جمعی در شمال و جنوب، در شهرهای بزرگ و کوچک، و در حرفه‌های متفاوت همواره یکی است. همچنین با هر نسل عوض نمی‌شود، بلکه، بر عکس، پیونددهنده نسل‌های متمادی به یکدیگر است. بنابراین وجدان جمعی غیر از وجدان‌های فردی خاص است. هرچند که جز در افراد در جای دیگری تحقق نمی‌یابد.

نحوه گسترش وجدان جمعی بسته به تیپولوژی جوامع تفاوت می‌کند. در جوامعی که همبستگی ساختگی نوع مسلط همبستگی را تشکیل می‌دهد، در برگزیده بزرگ‌ترین بخش وجدان‌های فردی است. در جوامع سنتی آن بخش از هستی‌های فردی که تابع احساسات مشترک است تقریباً معادل تمامی هستی‌های فردی است. در مقابل در جوامعی که تمایزهای اجتماعی بین افراد ظاهر می‌شود هر کس آزاد است در مقدار زیادی از اوضاع و احوال به دلخواه خویش فکر کند، بخواهد یا عمل کند. در جوامع مکانیکی، مهمترین بخش هستی فرد تابع فرامین و ممنوعیت‌های اجتماعی است. بدین معنی که ممنوعیت‌ها و فرامین یاد شده، بر حد وسط، بر اکثریت اعضاء گروه تحمیل می‌شوند؛ منشاء آن‌ها گروه است و نه فرد، و فرد از این فرامین و ممنوعیت‌ها به عنوان اطاعت از یک نیروی برتر پیروی می‌کند.

در جوامع سنتی دارای همبستگی مکانیکی، وجدان جمعی نه فقط بزرگ‌ترین بخش هستی‌های فردی را در بر می‌گیرد، بلکه احساسات مشترک از نیروی عظیمی برخوردارند که از طریق شدت کیفی‌هایی که بر افراد خاطی و زیر پا گذارنده ممنوعیت‌ها داده می‌شود می‌توان به اهمیت آن‌ها پی برد.

هر قدر وجدان جمعی قوی‌تر باشد خشم عمومی بر ضد جرم، یعنی بر ضد تخطی از فرامین اجتماعی، حادث‌تر است. بالاخره، وجدان جمعی تنها به



صورت عام نیست بلکه موارد خاص نیز دارد. هر یک از کردارهای هستی اجتماعی، به ویژه هر یک از مراسم مذهبی، با دقت کامل تعریف شده است. وجدان جمعی، جزئیات تفصیلی هر کردار و هر اعتقادی را تعیین کرده است. ولی در جامعه‌ای که همبستگی ارگانیکی بر آن حاکم است، دایره عمل آن بخش از هستی که تابع وجدان جمعی است، کاهش می‌یابد، واکنش‌های جمعی بر ضد تخطی از ممنوعیت‌های اجتماعی تضعیف می‌شود، و خصوصاً دامنه تعابیر فردی فرامین اجتماعی توسعه بیشتری پیدا می‌کند.

دورکیم معرف جامعه مکانیکی را حقوق تنبیهی می‌داند که خطاها یا جرم را کیفر می‌دهد، و حقوق ترمیمی یا تعاونی، که ذات آن به کیفر رساندن افراد به دلیل تخطی شان از قواعد اجتماعی نیست، بلکه احیای امور در صورت ارتکاب خطا، یا ایجاد همکاری بین افراد است.

هر قدر وجدان جمعی گسترده‌تر، نیرومندتر و خصوصیت‌یافته‌تر باشد، تعداد کردارهایی که جرم شمرده می‌شوند، یعنی کردارهایی که یک فرمان اجتماعی یا یک ممنوعیت را زیر پا می‌گذارند، یا آن که مستقیماً با وجدان جمعی مقابله می‌کنند، بیش‌تر است.

دورکیم هدف از کیفر را جلوگیری از تکرار جرم نمی‌داند بلکه نقش و معنای آن را ارضای وجدان جمعی می‌داند زیرا همین وجدان جمعی است که با کردار یکی از اعضای جامعه جریحه‌دار شده است. وجدان جمعی غرامت می‌طلبد و مجازات گناه‌کار غرامتی است که به احساسات همگان داده می‌شود، ولی در حقوق ترمیمی، سخن بر سر تنبیه کردن نیست بلکه هدف عبارت از برگرداندن انتظام امور بر مدار عدالت و آن چنان که انصافاً می‌بایست باشند، کسی که قرض خود را ادا نکرده باید ادایش کند.<sup>(۱)</sup>

جامعه عرب‌های استان خوزستان، بر اساس تئوری دورکیم، بر همبستگی مکانیکی استوار است. عشایر، روستاییان و بخش عمده‌ای از شهرنشینان عرب از ساختار مذکور برخوردارند. و بررسی آداب و سنن و رسوم این جامعه بیان‌گر این مسئله است. از جمله سننی که هنوز در جامعه عرب استان خوزستان به حیات خود ادامه می‌دهد، آداب و سنن مربوط به مجازات‌های

اجتماعی جهت کنترل اعضاء و حفظ تعادل جامعه است که از قوانین دولتی نیز ضمانت اجرایی بیش‌تری دارد. در این نوع مجازات - که در فرهنگ عرب «فصل» نامیده می‌شود<sup>۲</sup> - نقش بسیار اساسی و حیاتی به زن داده شده است. و در حقیقت زن محور حل اکثر نزاع‌های طایفه‌ای و انحرافات فردی است. این نقش که دارای دو جنبه کاملاً متضاد است، به زن عرب سیمایی دوگانه داده است. از یک سو تحت فشار آداب و رسوم قومی، تن به ازدواج می‌دهد و از سویی وی با این کار خود که در راستای حفظ وحدت و انسجام جامعه است، خویشتن را قربانی می‌کند. این مقاله، قصد توضیح و تبیین پدیده مذکور را دارد.

؛

### آئین فصل

جلال آل احمد در کتاب «کارنامه سه ساله» آورده است:

«در آخرین سفرم به خوزستان (مهر ۱۳۴۳) روز ورود به اهواز - از مقابل دادگستری شهر که می‌گذشتیم جماعتی عظیم مردان چفیه عگال بسته را دیدیم که راه را بند آورده بودند و قصد ورود به دادگستری را داشتند و ممانعت مأموران و احتمال زد و خورد و دیگر قضایا. از ماشین پریدم پائین و تپیدم توی جمع. به جست و جوی علت غوغا. پرسشی از این و آن و انکشف که قتلی رخ داده - ضمن نزاعی - و کلاتری دخالت کرده و قاتل را گرفته‌اند و حالا جماعت اعراب به شهر آمده‌اند - طرف‌داران قاتل و مقتول با هم - که قضیه را خومان «فصل» کرده‌ایم و رضایت بستگان قاتل و مقتول در دست ماست و حالا آمده‌ایم تا قاتل را آزاد کنیم. و انگار نه انگار که قانونی هم هست و دادستانی؟! ...» (نقل از صفحه ۳۷).

### واما فصل، چیست؟

«فصل»<sup>۳</sup> رسمی ساده جهت رفع نزاع‌های فردی و جنگ‌های طایفه‌ای است که بر اساس آن، در صورت وقوع قتل، هتک ناموس، ضرب و جرح و هر گونه انحراف و کج‌روی، اهالی با پا در میانی ریش سفیدان<sup>۴</sup> و بزرگان طایفه به

حل آن مبادرت می‌ورزند. آیین آن نیز بدین‌گونه است که شیخ قبیله یا عشیره فرد مورد تعدی، از شیخ قبیله فرد متعدی می‌خواهد تا در جلسه‌ای<sup>۵</sup> که بدین مناسبت تشکیل می‌شود، با حضور بزرگان و سران قوم درباره نوع مجازات خاطی، میزان و نحوه اجرای حکم، بحث و گفت و گو کنند. معمولاً بدین خواسته، جواب مثبت داده می‌شود و به ندرت موردی یافت می‌شود که فرد تعدی‌کننده یا نمایندگان حاضر به مذاکره نشوند. در صورت وقوع چنین امری، ابتدائاً مدتی را جهت کسب آمادگی برای مذاکره تعیین می‌کنند و طرفین بایست در ظرف مهلت تعیین شده برای مذاکره آماده باشند. چنان چه به تهدید واقعی نهنند، در آن صورت از حشم فرد متعدی، خانواده و یا قبیله وی چهارپایی و یا ثروتی را غارت می‌کنند و با این عمل، آن‌ها را جهت پذیرش مذاکره تحت فشار قرار می‌دهند. در صورتی که فرد متعدی و یا طایفه‌اش سرسختی پیشه سازند و از پذیرش مجازات سرباز زنند،<sup>۶</sup> به خانه فرد خاطی حمله کرده، ساکنان آن را مضروب و خانه را به آتش می‌کشند و چه بسا در این هنگامه، قتل و هتک حرمتی نیز صورت پذیرد که خود به نزاع‌های طایفه‌ای منجر شده و شعله جنگ را تا مدت‌ها افروخته نگاه دارد.<sup>۷</sup>

در جلسه «فصل»، از سوی دو عشیره، افراد زیرک، باهوش و آشنا به حقوق عرفی جامعه و دارای بیان خوب با یکدیگر به مباحثه می‌نشینند.<sup>۸</sup> با ابلاغ میزان فصل از سوی نمایندگان عشیره مورد تعدی، افرادی که نسبت به طرفین منازعه، بی‌طرف محسوب می‌شوند، سعی بر کم کردن مبلغ فصل می‌کنند. شیوه عمل بدین صورت است که پارچه‌ای (دستمال، چفیه و ...) را در میان جلسه می‌اندازند و رسم است که یکی از اعضای طایفه مورد تعدی آن را باز کرده و مبلغی را از میزان اعلام شده فصل کم می‌کند. در فرهنگ محلی به این پارچه رایث‌العباس گویند.<sup>۹</sup> ولی در نهایت امر، شخصی که - فریضه نامیده می‌شود - و آگاه‌تر از سایر افراد حاضر در جلسه است، حکم نهایی را صادر می‌کند. فریضه می‌باید علاوه بر زیرکی و کیاست؛ متدین و معروف به امانت‌داری بوده و در قضاوت تحت تأثیر مسائل نفسانی قرار نگیرد.<sup>۱۰</sup>

با تعیین فریضه و محل حکمیت، جلسه با حضور عده کثیری از مردم، نمایندگان دو عشیره و متهم یا متهمین اصلی برگزار می‌گردد. در این جلسه، فریضه که مورد اعتماد طرفین منازعه بوده و در ضمن با هیچ یک از آن‌ها نسبت خویشاوندی ندارد، با پرسش‌هایی از طرفین و با در نظر داشت اطلاعات دیگری که از افراد موثق بدست می‌آورد، حکم را صادر می‌کند. طرفین ملزم به پذیرش حکم هستند.<sup>۱۱</sup>

ثلث مبلغ تعیین شده بابت فصل را متعدی و باقی‌مانده وجه را طایفه وی پرداخت می‌کند. مبلغ مذکور به همین نسبت بین فرد مورد تعدی واقع شده و عشیره او تقسیم می‌شود.<sup>۱۲</sup>

در مواردی که جرم موجبات آبروریزی طایفه متعدی باشد، خاطی را طرد نموده و اصطلاحاً گویند «کِسْرَةُ الْعَصَا» (Kesrat. Ol. Ossa) و مفهوم آن گسیخته شدن پیوند فرد با طایفه وی می‌باشد. چنین فردی مسئول اعمال زشت خویش است و کسی از او حمایت نمی‌کند. موارد جرم عبارتند از: تجاوز به زن شوهردار و سرقت. با این تفاوت که در مورد زنا، محصنه، پدر و برادران خاطی به وی کمک می‌کنند ولی عشیره از وی حمایت نمی‌کند. اما سارق از ناحیه هیچکس حمایت نمی‌شود. و در اصطلاح محلی گویند: «السودة علی أهْلِهَا» بدین مفهوم که عمل بد به فاعل آن برمی‌گردد.<sup>۱۳</sup>

#### موارد اجرای مقررات فصل

مقررات آیین فصل در موارد ذیل اجرا شده که هر مورد را به طور جداگانه شرح می‌دهیم: ۱. قتل ۲. تجاوز به عنف ۳. زنا، محصنه ۴. ربودن زن ۵. اهانت به زن شوهردار ۶. ضرب و جرح ۷. تعدی به پناهنده ۸. فحش و ناسزا ۹. سرقت

#### ۱. قتل

تا دو دهه پیش، براساس آیین فصل، خانواده قاتل می‌بایست چهار زن در اختیار خانواده مقتول قرار می‌داد.<sup>۱۴</sup> دو نفر از این زنان که در سن ازدواج بوده،

پس از تعیین فصل با دو نفر از اعضای خانواده مقتول، ازدواج می‌کردند. به این زنان - که در واقع پیش قسط محسوب می‌شدند - جَدْمِیَه (jadmyye) می‌گفتند. دو نفر دیگر دخترانی بودند که هنوز به سن ازدواج نرسیده و پس از این که آمادگی ازدواج می‌یافتند به تزویج مردان خانواده مقتول درمی‌آمدند. به این دختران «تَلْوِیَه» گفته می‌شد.<sup>۱۵</sup> (talvyye)

جلال آل احمد در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی، فصل مربوط به قتل را این گونه ذکر می‌کند:

«در مورد قتل نفس چه عمد باشد و چه غیر عمد... و «فصل» آن سه زن. که قاتل یا خانواده‌اش باید به خانواده مقتول بدهند. می‌توان یکی از این سه زن را به قیمت داد. و قیمت یک زن در شرایط این پرس و جو - در آن حوالی خوزستان که محل تحقیق بود - میان ۳۵۰۰ تا ۶۰۰۰ تومن بود. بسته به موقعیت مالی دو طرف فصل و نیز بسته به نزدیکی و دوری محل اقامت قبیله از شهر. و به خاطرمان باشد که غرض از یک زن، درین مورد زنی است بالغ و کاری که ممکن است باکره باشد یا نباشد. و به این طریق یک زن یعنی یک جفت بازوی کاری»<sup>۱۶</sup>

امروزه تا حدود زیادی از شدت کیفر کاسته شده و معمولاً در قتل عمد، دو زن با جهیزیه و در قتل غیر عمد یک زن با جهیزیه فصل می‌دهند. البته، ممکن است که میزان فصل کمتر از این مقدار نیز باشد، ولی در نهایت میزان آن، بستگی به نظر خانواده مقتول دارد.

در مواردی که قاتل و مقتول متعلق به یک طایفه باشند، دیگر اعضای طایفه به قاتل در انجام تعهدات فصلی، کمکی نمی‌کنند و خود به تنهایی باید بار مجازات را بر دوش کشد.<sup>۱۷</sup>

اگر قتلی صورت گیرد ولی قاتل مشخص نباشد، جست و جوی خانواده و عشیره مقتول برای شناخت قاتل ممکن است سال‌ها طول بکشد. و پس از این که هویت قاتل شناسایی شد، آن‌گاه عده‌ای را به عنوان نماینده به عشیره قاتل اعزام می‌کنند. آن‌ها نیز در مجلسی که به همین منظور منعقد می‌شود، سخنان خود را گفته و خواستار انجام فصل می‌شوند. نمایندگان عشیره مقتول

در این جلسه از صرف هر گونه نوشیدنی یا خوردنی از بستگان عشیره قاتل خودداری می‌کنند و بحث زیادی نیز با آنان انجام نمی‌دهند. در صورتی که عشیره مقابل، موضوع قتل را بپذیرد از نمایندگان عشیره مقتول درخواست مهلتی جهت آماده شدن برای انجام مراسم فصل می‌کنند، در مهلت داده شده - که در اصطلاح محلی «عَطْوَه» (otve) نامیده می‌شود - افراد عشیره مقتول به هیچوجه علیه عشیره قاتل اقدامی نمی‌کنند و زمان تعیین شده از سوی نمایندگان خود را محترم می‌شمرند. در صورتی که عشیره مورد اتهام، موضوع قتل را نپذیرد، آمادگی خود را جهت بحث و مذاکره پیرامون موضوع عنوان می‌نماید. این امر وقتی است که وقوع جرم مشخص نباشد.<sup>۱۸</sup>

گذشت ایام، مجازات این نوع جرم را دچار دگرگونی کرده است. در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی حمید طرفی در این ارتباط آورده است:

فصل قتل عمد، علاوه بر پرداخت ۵/۳۰۰/۰۰۰ ریال دیه شرعی از طرف عشیره قاتل، مبلغی به عنوان خسارت ناشی از قتل نیز به عشیره مقتول می‌دهند. فصل قتل غیر عمد نظیر تصادف با وسائط نقلیه به میزان پانصد هزار ریال بوده ولی امروزه به موجب قرارداد منعقد، مابین عشیره سلامات (salamaat) و عشیره بنی طرف (banytorof)، مبلغی معادل -/۳۵۰/۰۰۰ ریال، در مورد عشایر جعب (cha'ab) -/۵۰۰/۰۰۰ ریال، عشایر شرفه (shorfe) -/۵۰۰/۰۰۰ ریال، عشایر بنی صالح -/۵۰۰/۰۰۰ ریال عشیره خَسْرَج -/۵۰۰/۰۰۰ ریال و عشیره چنانه -/۵۰۰/۰۰۰ ریال پرداخت و یا دریافت می‌گردد.<sup>۱۹</sup>

## ۲. تجاوز

مجازات تجاوز به دختر باکره، خواه به میل رخ دهد یا به اجبار، در اختیار نهادن سه زن از سوی فرد متعددی است. این زنان باید در سنین متفاوتی باشند: اولی، در سن ازدواج، دومی در حدود ده الی دوازده ساله و سومی در سنین کودکی. که به ترتیب به خانه پدر دختر مهتوکه، جهت ازدواج با یکی از مردان خانواده و یا عشیره فرستاده می‌شوند.<sup>۲۰</sup>

گزیدن دختران در سنین متفاوت، به عنوان مجازات اجتماعی از آن روست که دو خانواده به دلیل زناشویی مستمر تا مدتی طولانی در ارتباط با یکدیگر هستند و مواصلت‌های پیاپی، خود مانع دامنه‌دار شدن نزاع و جدال مابین آن‌هاست.

### ۳. زنا

تجاوز به زن شوهردار، دو فصل دارد. یکی به خانواده زن و دیگری به شوهر زن تعلق می‌گیرد و جمعاً زانی، چهار زن به عنوان مجازات عمل زشتی که مرتکب شده، به طرف مقابل می‌دهد. از این زنان، دو زن به پدر زن زانیه فصل می‌دهند. یکی از آن‌ها به جای دختری است که به واسطه این عمل، از خانواده برای همیشه طرد شده است و زن دوم تطهیرکننده ننگی است که خانواده‌اش را آلوده ساخته است. هم‌چنین یکی از زنانی که به شوهر زن فصلیه می‌دهند. تحت همین عنوان است. و زن دوم نیز جایگزین زن قبلی وی است که طلاق داده شده و به عقد اجباری مرد زانی درآمده است. البته، اگر قبلاً توسط پدر، برادر و یا پسرش کشته نشود.<sup>۲۱</sup>

در وضعیت کنونی، شدت و میزان فصل این نوع کج‌روی، کاهش یافته است و آن طور که برخی از اعضای طوایف حمیدی و الهایی که در سال ۱۳۶۶ در مصاحبه با نگارنده، بیان داشتند هم‌اکنون، فصل تجاوز به زن شوهردار، دو زن با جهیزیه و تجاوز به دختر باکره، یک زن با جهیزیه است. آقای حمید طرفی نیز در کتاب منتشر نشده «بنی طرف یا قومی از طی» (Tay) یادآور شده‌اند:

«در وضعیت کنونی [۱۳۶۷] میزان فصل معادل - ۲/۵۰۰/۰۰۰/ ریال به شوهر زن مورد تعدی و - ۳۰۰۰/۰۰۰/ به پدر زن مورد تعدی پرداخت می‌شود».<sup>۲۲</sup>

### ۴. ربایش

آقای امانی در رساله «نظام قبیله‌ای در خوزستان» درباره ربایش زن نوشته

است:

«هرگاه مردی، زنی را حتی با رضای خود وی از خانواده‌اش فراری دهد، به عنوان مجازات، ۳ زن به پدرزن ربوده شده می‌دهد و در این مورد طایفه مرد به او کمکی نمی‌کند و خاطی خود به تنهایی باید جور مجازات را تحمل کند.»<sup>۲۳</sup>

نگارنده نیز در سال ۱۳۶۵، ناظر نزاعی خونین بین دو طایفه از عرب‌های خوزستان بود که در پی فرار زن بیوه‌ای با مردی و ازدواج آن‌ها با یک‌دیگر صورت پذیرفت. در این نزاع یک نفر از طایفه زن کشته شد. در مجلسی که بدین خاطر با حضور بزرگان و ریش‌سفیدان طوایف برگزار شد، علاوه بر فصل قتل، ۲ زن نیز به دلیل فراری دادن زن، از مجرم و طایفه‌اش گرفتند.

#### ۵. اهانت

اگر مرد متأهل به زن شوهردار اهانت کند، باید صد هزار ریال به خانواده زن و دویست هزار ریال به شوهر زن پرداخت کند (هم‌اکنون در عشیره بنی‌طرف چنین عمل می‌شود). در صورتی که زن شوهرداری مجبور به سوار شدن در ماشین شود ولی تجاوزی به وی صورت نگیرد، فرد متعددی باید مبلغی در حدود سیصد هزار ریال به شوهر زن و کم‌تر از آن را به خانواده زن دهد.<sup>۲۴</sup>

#### ۶. ضرب و جرح

اگر در نزاعی، دست، چشم یا پای کسی قطع و یا معیوب شود، به گونه‌ای که احتمال سلامتی وی در آینده اندک باشد، فرد ضارب یک زن و یا معادل مهریه یک زن به فرد مضروب می‌دهد. در صورتی که دو دست یا دو پا و یا دو چشم فردی کاملاً معیوب شوند، میزان فصل ۲ برابر است یعنی ۲ زن و یا معادل مهریه آن‌ها را به عنوان مجازات از ضارب می‌گیرند.<sup>۲۵</sup> هم‌چنین اگر مردی، دختری را مضروب سازد به گونه‌ای که معیوب شود، اولاً باید دختر را خود و یا یکی از بستگان نزدیکش عقد کند. ثانیاً یک زن به عنوان فصل به



خانواده دختر بدهد. حال اگر ضارب، همسر زن باشد و عمل ضرب منجر به قطع دست وی شود، ضارب، یک زن به خانواده همسرش دیه می دهد.<sup>۲۶</sup> غیر از موارد مذکور، مجازات ضرب و جرحی که منجر به مثله گوش، بینی یا شکستن دندان شود، جرایمی نقدی و جنسی دارد که با رضایت طرفین و با نظر شیخ طایفه از ضارب اخذ شده و به مضروب می دهند. شیخ در اخذ جریمه، قدرت مالی فرد خاطی را نیز در نظر دارد.<sup>۲۷</sup>

#### ۷. تعدی به پناهنده (دخیل)

در گذشته، اگر فردی به خانه ای پناه می آورد و کسی یا کسانی قصد تعرض به پناهنده را داشتند، مرد عرب با همه توان از کسی که به او پناهنده شده، دفاع می کرد و چه بسا که این دفاع، منجر به قتل وی می شد. در تاریخ پانصد ساله خوزستان در این رابطه آمده است که شیخ ثامر رئیس ایل کعب در دفاع از محمدتقی خان ایلخان بختیاری که به خاطر تعقیب حکومت مرکزی به وی پناهنده شده بود، آن قدر پافشاری و اصرار نمود که منجر به جنگ با سپاه دولتی شد و در نهایت مجبور شد خاک کشور را ترک کند. از این رو در آیین فصل، مقرر شده که: اگر کسی به فرد پناهنده آزاری رساند، باید یک زن به خانواده ای که فرد به آن پناهنده شده، فصل دهد. البته این مورد مجازات در جامعه کنونی عرب های خوزستان وجود ندارد.<sup>۲۸</sup>

همچنین زنانی که به عنوان پناهنده به خانه سادات پناه می برند از هر گونه تعرض مصون بوده و هزینه خوراک و پوشاک آنان به عهده خانواده پناه دهنده است و با آنان بسان یکی از افراد خانواده رفتار می شود. مدت زمان پناهندگی ممکن است بیش از یک سال طول کشد.<sup>۲۹</sup>

#### ۸. فحش و ناسزا (عیوره) (Ayyure)

ارزش های فرهنگی مردم، دشنام را امری زشت دانسته و کسی را که چنین کند، مجازات و جریمه می کند.<sup>۳۰</sup> در صورتی که دشنام دهنده، زن باشد، جریمه ای بر او مترتب نیست. زیرا در نظام ارزشی عرب، به اعمال زن به دیده

تساهل نگرسته شده و اهمیتی به آن نمی دهند.<sup>۳۱</sup>  
 در دو موردی که ذیلاً شرح داده می شوند، زن نقشی را ایفا نمی کند ولی از جهت تکمیل بحث کنترل اجتماعی، به توضیح آنها می پردازیم:

#### ۹. سرقت

دزدی که اموال مسروقه را به صاحبش برگرداند، مجازاتی نمی بیند ولی اگر اموال را نگه داشته و صاحب مال دریابد که دزد کیست؛ سارق باید قیمت اموال را بپردازد. در بعضی از طوایف، اگر سارق در حین سرقت کشته شود، فصلی به خانواده وی تعلق نمی گیرد.<sup>۳۲</sup>

#### ۱۰. دیه حیوانات

در کتاب «جغرافیای ... دشت میشان» - نگارش یافته در سال ۱۳۴۷ - آمده است: دیه حیواناتی چون شتر، گاو میش و مادیان از - /۴۰۰۰ الی - /۶۰۰۰ ریال و دیه گاو - /۱۵۰۰<sup>۳۳</sup> ریال است. آقای امانی نیز در پایان نامه تحصیلی خود - که در سال ۱۳۵۷ تحریر شده - چنین آورده است: در صورت کشتن حیوانی، ضارب باید قیمت آن را بپردازد و اگر حیوان مجروح شود، موافقت صاحب دام و ضارب، در تعیین دیه الزامی است.<sup>۳۴</sup> آقای حمید طرفی نیز این موضوع را در عشیره بنی طرف، چنین مشاهده کرده است: فصل یک نفر شتر برابر با - /۱۰۰/۱۰۰۰ ریال، یک رأس گاو معادل - /۷۰/۱۰۰۰ ریال و یک رأس الاغ برابر - /۵۰/۱۰۰۰ ریال.<sup>۳۵</sup>

هم چنین موارد دیگری در سنت های مردم وجود دارد که عدم رعایت آنها موجب اخذ فصل می شود. یکی از این موارد، وارونه نهادن استکان در نعلبکی از سوی مهمان که دلالت بر ضعف ناموس میزبان دارد. مورد دیگر عدم پذیرایی از مهمانان بر حسب ردیفی که در اتاق نشسته اند. بدین ترتیب که میزبان در پذیرایی به وسیله قهوه، به یکی از مهمانان تعارف نمی کند و به نفر بعدی قهوه تعارف می کند. این امر توهین به مهمانی که به وی قهوه تعارف نشده است، تلقی شده فصل بر این عمل جاری است.<sup>۳۶</sup>

**نایب قشربندی اجتماعی در نوع مجازات**

شیوخ و رهبران طوایف در آیین فصل از مصونیت ویژه‌ای برخوردارند و در صورت انحراف و یا کج‌روی برخی از اعضای این قشر ممتاز، با آن‌ها مانند سایر افراد طایفه، برخورد نمی‌شود و فقط به صورت آبرومندانه‌ای از فرد مورد تعدی، دل‌جویی و اعاده حیثیت می‌شود.<sup>۳۷</sup> ولی اگر فردی از طایفه به یکی از شیوخ یا وابستگان وی، اذیت و آزاری رساند، بشدت مجازات می‌شود. تا دو دهه پیش، اگر کسی از اقوام شیخ کشته می‌شد، خانواده قاتل ۱۲ زن با جهیزیه کامل به خانواده مقتول تحویل می‌داد<sup>۳۸</sup> یا این‌که اگر از خانه یکی از رهبران طایفه سرقت می‌شد، سارق باید غرامتی متناسب با منزلت و شخصیت صاحب خانه، می‌پرداخت.<sup>۳۹</sup>

**دگرگونی در آیین فصل**

آیین فصل با گذشت ایام و دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی - اجتماعی کشور دچار تحولاتی شده و به مرور زمان از شدت مجازات‌ها کاسته شده است. و اخیراً در این راستا، در بعضی از طوایف تلاش‌هایی صورت پذیرفته تا زن به عنوان جریمه انحرافات فردی و اجتماعی مورد مبادله قرار نگیرد. یکی از افراد طایفه بنی طرف در این رابطه می‌گوید: «بزرگان قوم، تازگیها، تصمیم گرفته‌اند که جز در موارد استثنایی و حاد، بابت فصل، زن نگیرند و ندهند.»<sup>۴۰</sup> با این وجود، در اکثر طوایف عرب خوزستان مقررات فصل اجرا می‌شود و تنها از شدت مجازات‌ها کاسته شده است.

**جمع‌بندی**

در پنج قرن پیش، سید محمد مشعشع، بنیان‌گذار حکومت مشعشعیان در خوزستان به پیروان خود گفت:

«هر زنی که روی خود را پیش مردان نامحرم باز کند یا آواز خود را به آنان بشنوند مگر به هنگام ناچاری ... کشته خواهد شد.»<sup>۴۱</sup>

از آن زمان تا کنون، جامعه عرب‌های خوزستان مواجه با تحولات و

دگرگونی‌هایی بود که بالمآل در آداب و مناسک مربوط به مجازات‌های اجتماعی آن تغییراتی را موجب شده است. این تغییرات در نوع، میزان و شدت مجازات‌ها تأثیر بسزایی داشته است. جدای از تغییرات پدید آمده در این مناسک، نکته‌ای که بسیار قابل توجه است، وظیفه‌ای است که آداب و رسوم مذکور بر دوش زن نهاده است.

همان گونه که در این مقاله، توضیح داده شد، تقریباً در اکثر موارد، جامعه عرب خوزستان با مبادله زن یا زنان، افراد منحرف و مجرم را تنبیه ساخته و بدین وسیله از آسیبی که ممکن است، نظام و ساختار جامعه را دچار تزلزل سازد، جلوگیری می‌کند. این‌که چرا در این سنت، زن باید قربانی شود و نه کس یا چیز دیگری، سئوالی است که جواب به آن تحقیقات عمیق‌تری را می‌طلبد. ولی نظر به تئوری همبستگی دورکیم و اطلاعات موجود، می‌توان گفت: علت را در نظام ارزشی مردم باید جستجو نمود. نظامی که در آن، زن از حرمت و قداست ویژه‌ای برخوردار است و کوچک‌ترین هتکی به او، بزرگ‌ترین توهین به آبرو و حیثیت وابستگان وی تلقی می‌شود. مجازاتی که به واسطه آن مرد عرب باید زنی از نزدیکانش را فصل دهد و این بزرگ‌ترین ضربه به حیات روانی - اجتماعی وی محسوب می‌شود و در پرتو چنین مجازات‌های سنگینی، اعضای جامعه کم‌تر راغب آلوده شدن به انحرافات و کج‌روی‌های اجتماعی‌اند. و به بیان دورکیم، وقتی وجدان جمعی با ارتکاب عمل نابهنجار یکی از اعضای جامعه، جریحه‌دار می‌شود، غرامت می‌طلبد، و مجازات گناه‌کار غرامتی است که به احساسات همگان داده می‌شود.<sup>۴۲</sup>

### منابع

۱. آرمند، عبدالصاحب: جغرافیای تاریخی دشت میشان و شمه‌ای از تاریخ طبیعی و سیاسی خوزستان، سوسنگرد، ۱۳۴۷.
۲. آل احمد، جلال: کارنامه سه ساله، تهران، رواق، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۷.
۳. آرون، ریمون: مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر بهرام، جلد دوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی چاپ اول، ۱۳۶۳.